

لکه ابدی بر عشق

بر نامه «عشق ابدی» در حالی در فضای مجازی پر باز دید شده که ابتدالی است برای ارائه تصویری سطحی و مصرفی از عشق رقابتی کردن احساسات، ارائه استانداردهای سمی از زیبایی، دور شدن از شناخت احساسات و ... که هر کدام می تواند پیامدهای زیادی روی ذهن و رفتار مخاطب منفعل داشته باشد

ZENDEGI-SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

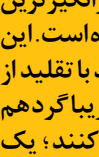
چهارشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۴
۱۶ ذی القعدة ۱۴۴۶ • ۱۴ می ۲۰۲۵
شماره ۲۱۷۶۸

۲۹۸۷



سید مصطفی صابری | روزنامه نگار

پرونده



چند وقتی است «عشق ابدی» به یکی از بحث برانگیزترین تولیدات فضای مجازی فارسی زبان تبدیل شده است. این برنامه، با اجرای پرستو صالحی، تلاش می کند با تقلید از نمونه های خارجی، چند جوان را در یک جزیره زیبا گرد هم بیاورد تا بتوانند عشق زندگی شان را پیدا کنند؛ یک نمایش رقابتی همراه با لحظات به ظاهر احساسی که پیش از آن که مفهوم واقعی عشق را بازتاب دهد، به نظر می رسد اهدافی تجاری داشته باشد. «عشق ابدی» به لطف باز نشر گسترده در شبکه های اجتماعی مثل یوتیوب و اینستاگرام، مخاطبانی فراگیر پیدا کرده است؛ از نوجوانان و جوانانی که این برنامه را صر فاسر گرمی می دانند و از پیامدهایش غافلند تا والدینی که ممکن است آگاه نباشند چنین برنامه ای چه تأثیرات فرهنگی و روانی می تواند بر ذهن مخاطب جوان بگذارد. در این بین قطعاً نبود برنامه های جذاب در تلویزیون و نمایش خانگی در این حجم از دیده شدن و جدی گرفته شدن این برنامه سطحی بی تأثیر نبوده است. سروشکل فرمت پر زرق و برق این نوع تولیدات، بیشتر از آن که باعث شناخت واقعی احساسات انسانی شود، عشق را به کالایی تبدیل می کند که در خدمت جذابیت های ظاهری و رقابت های نمایشی قرار گرفته است. در این مطلب، تلاش می شود علاوه بر معرفی ویژگی های چنین برنامه هایی در دنیا، آسیب های احتمالی فرهنگی، روان شناختی و اجتماعی آن ها به کمک منابع غیر فارسی بررسی شود. تلاش کردیم متناسب با باز خور دی که نمونه های خارجی این برنامه در یافت کردند آسیب شناسی را از جنبه اجتماعی دنبال کنیم و در ادامه هم یک روان تحلیلگر از پیام های روانی این برنامه می گوید. با ما باشید.

آیا عشق واقعی این گونه است؟

برنامه هایی نظیر «عشق ابدی» به تقلید از نمونه هایی مثل The Bachelor و Love Island، عشق را تبدیل به یک مفهوم رقابتی کرده اند که حتی در کشورهای خودشان مورد نقد واقع شد. در این برنامه ها، شرکت کنندگان به جای ایجاد ارتباطات واقعی و عمیق، در فضایی ساختگی تلاش می کنند تا برای جلب نظر فرد مقابل با باقی ماندن در مسابقه جذاب تر به نظر برسند. به گفته مقاله ای در Psychology Today، این رقابتی کردن روابط نه تنها وضوح عشق را از بین می برد، بلکه فشار روانی شدیدی بر شرکت کنندگان وارد می کند تا خود را با استانداردهای تعریف شده توسط برنامه تطبیق دهند. این موضوع سبب می شود مفهوم عشق به یک «پیروی» و نه یک «روند انسانی» تبدیل شود.

تمرکز بر استانداردهای سمی زیبایی
برنامه هایی شبیه «عشق ابدی» معمولاً تأکید ویژه ای بر ظاهر جسمانی دارند. محیط های فیلم برداری مانند جزایر گرمسیری و حضور کسانی با چهره های نزدیک به کلیشه های زیبایی باعث می شود عشق، از یک احساس پیچیده و درونی، تبدیل به چیزی سطحی و وابسته به جسم شود. در پژوهشی از دانشگاه کالیفرنیا درباره تأثیر محتواهای نمایشی بر روابط انسانی، محققان نشان دادند که این استانداردها باعث کاهش عزت نفس

پیامدهای ناگوار برنامه های واقع نمای عاشقانه

با استناد به منابع معتبر و تحلیل های موجود، در ادامه به بررسی پیامدهای احتمالی برنامه های واقع نمای عاشقانه مثل «عشق ابدی» می پردازیم. این پیامدها نه تنها مخاطبان، به ویژه جوانان و نوجوانان، بلکه شرکت کنندگان این برنامه ها را هم در معرض آسیب قرار می دهند.

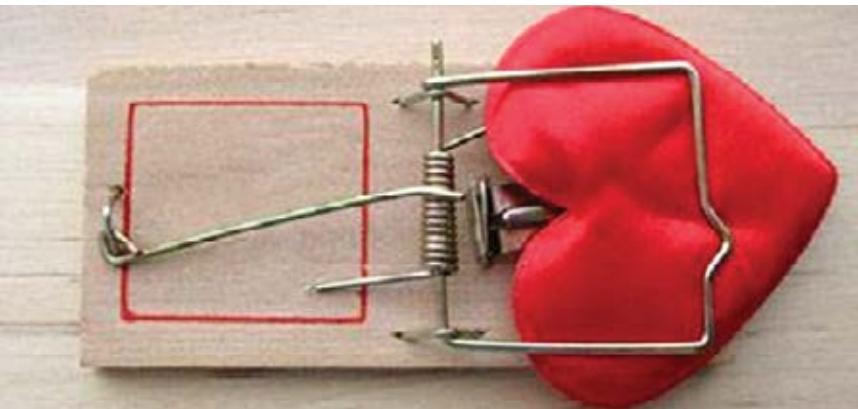
۱. ترویج نگاه سطحی به عشق و روابط

برنامه های واقع نمای عاشقانه، عشق را به یک کالای سرگرمی تبدیل می کنند که بر اساس معیارهای ظاهری و جذابیت های بصری تعریف می شود. بر اساس مقاله ای از Ruan Living، دیدن بیش از اندازه چنین رئالیتی شوهایی می تواند باعث شود جوانان عشق و روابط را به شکلی سطحی تصور کنند.

۲. دور شدن از ضرورت شناخت عمیق در رابطه

تعاملات در این برنامه ها اغلب سریع و کم عمق است. افراد شرکت کننده در محیط هایی غیر واقعی (مثل جزایر لوکس یا مناطقی بی هدفغه) زیر فشار دوربین ها مجبورند در زمان کوتاهی تصمیم گیری کنند. این سناریو عملاً هیچ فرصتی برای شناخت واقعی شخصیت طرف مقابل نمی دهد. مقاله ای از MGH Clay Center توضیح می دهد که این نوع برنامه ها می توانند دیدگاه غلطی درباره این که روابط واقعی چگونه شکل می گیرند، به تماشاگران ارائه دهند. روابط واقعی نیازمند زمان و تعاملات روزمره هستند و تصویری که این برنامه ها ارائه می دهند، کاملاً دور از واقعیت است.

۳. مصرف گرایی کردن عشق



مقاله ای در Everyday Sociology Blog نشان

می دهد که سازندگان برنامه عمداً از پرداختن به واقعیت های پیچیده و رابط انسانی اجتناب می کنند. نبود کارشناس باعث می شود مخاطبان این برنامه ها تصویر سطحی و اغلب تحریف شده ای از عشق و ارتباطات دریافت کنند.

ایجاد یک واقعیت مصنوعی
فضای برنامه های واقع نمایی مثل «عشق ابدی» عملاً بازتاب دهنده زندگی واقعی نیست. تمامی جنبه های این برنامه، از محل فیلم برداری گرفته تا تعاملات شرکت کنندگان، تحت نظارت شدید تولید کنندگان است. این موضوع باعث می شود روابط، نه طبیعی، بلکه نمایشی و ساختگی باشند. به گفته کریس بروکس، روان شناس دانشگاه اوکلند این برنامه ها مخاطبان را به سمت باور به یک عشق فانتزی سوق می دهند که در دنیای واقعی کاملاً غیر ممکن است. این باور ها به مرور می توانند روابط واقعی افراد در زندگی روزمره را تحت تأثیر قرار دهند.

می شود، با تعهد بلندمدت و نهاد خانواده به عنوان یکی از اصلی ترین اهداف زندگی، تطابق ندارد. روابط کوتاه مدت و نگاه رقابتی به عشق، مفهومی پایدار برای ساختن خانواده ارائه نمی دهد. به گفته مقاله ای در Psychology Today، روابط پایدار به صبر، سازگاری و درک متقابل نیاز دارند. در حالی که این برنامه ها تصویری بسیار شتاب زده و غیر واقعی از عشق به مخاطب القا می کنند.

۶. تأثیرات نامطلوب بر عزت نفس

مخاطبانی که این برنامه ها را تماشا می کنند، به ویژه نوجوانان، ممکن است خود را با شرکت کنندگانی که بر اساس استانداردهای خاص زیبایی انتخاب شده اند، مقایسه کنند. این مقایسه، به گفته سارا مک نیل در مقاله ای از FHS Post، می تواند عزت نفس افراد را کاهش دهد و استانداردهای غیر واقعی از زیبایی و تناسب اندام را در ذهن آن ها تقویت کند. این موضوع نه تنها به سلامت روانی مخاطبان آسیب می زند، بلکه می تواند منجر به انجام رفتارهای افراطی نظیر رژیم های سخت یا جراحی های زیبایی شود.

۷. به دام افتادن در رویاهای موهوم

محیط های غیر واقعی و داستان پردازی های احساسی این برنامه ها، مخاطبان را در تصوراتی موهوم از عشق و زندگی گرفتار می کند. زندگی واقعی، پر از چالش ها و مشکلات است و نیازمند مهارتهایی برای مدیریت مشکلات روزمره است. اما این برنامه ها نسخه ای فانتزی از روابط ارائه می دهند که می تواند باعث بروز ناامیدی در مواجهه با زندگی واقعی شود.

۸. بزرگ کردن افرادی بی صلاحیت

افرادی که در این برنامه ها شرکت می کنند، اغلب به دلایل سطحی (مثل ظاهر جذاب یا ایجاد حاشیه) وارد این فضای شون دوپس از برنامه، به سرعت تبدیل به چهره های معروف می شوند. این افراد معمولاً به واسطه ویژگی هایی به شهرت رسیده اند که تناسبی با الگوهای ارزشی یا آموزشی برای نوجوانان ندارند اما در عوض طی برنامه ها می بینیم که خیلی جدی سخنرانی می کنند و از قدرت کائنات و کار ما و... برای مخاطب می گویند.

آینه ای از روان مضطرب انسان مدرن

«عشق ابدی» در ظاهر برنامه ای برای یافتن نیمه گمشده است؛ اما در حقیقت ترس ها و تعارض های شرکت کنندگان و مخاطبان را از طرد شدن، نادیده گرفته شدن و... باز تولید می کند



ملیکا داودیان | روان تحلیلگر

چند وقتی است رئالیتی شویی به نام «عشق ابدی» در شبکه های اجتماعی منتشر و به میزان قابل توجهی دیده شده است. برنامه ای که مجری آن پرستو صالحی، بازیگر ایرانی است که چند سالی است مهاجرت کرده است. در این برنامه، تعدادی دختر و پسر کنار هم در یک ویلا ی لوکس زندگی می کنند با این هدف که با هم آشنا و وارد رابطه شوند. در این مطلب سعی می کنیم با رویکرد روان تحلیلی، به بررسی این اثر پر حاشیه بپردازیم.

❖ کیبی که جدی گرفته شد

قبل از آن که به تحلیل این برنامه بپردازیم، بد نیست بدانید با اثری مواجه ایم که ایده اش کیبی برداری و بارها به همین سبک و سیاق در کشورهای دیگر ساخته شده است. به طور مثال، در کشور آمریکا برنامه The Bachelor یکی از مشهورترین برنامه ها در این سبک است. در این برنامه تعدادی از افراد از میان زنان و مردان دیگر به دنبال عشق خود می گردند. یا برنامه Love is Blind که در آن شرکت کنندگان، بدون دیدن چهره یکدیگر، صرفاً از طریق صحبت کردن عاشق هم می شوند و بعد از ملاقات حضوری و خواستگاری، تصمیم می گیرند که از دواج کنند یا خیر. نسخه استرالیایی این برنامه به نام Love Island نیز شناخته می شود. اما چه می شود که تعداد

زیادی از افراد جامعه جذب این سبک برنامه ها می شوند که متکی به جذابیت های کاذب برای دیده شدن هستند؟

❖ چرا عشق ابدی پر مخاطب شد؟

وقتی چنین برنامه ای پر بیننده می شود، می تواند هشدارهای مهمی داشته باشد. اما چه نیاز پنهانی در زمان دیدن این برنامه به صورت ناخودآگاه برآورده می شود؟ در فضای روان تحلیلی، چند مفهوم وجود دارد که به روشن شدن این نیاز ناخودآگاه کمک می کند.

«لکان»، روانکاوانسوی، مفهومی تحت عنوان «فانتزی دیگری ایده آل» دارد که به روشن تر شدن این فضا کمک می کند. در مفهوم «فانتزی دیگری ایده آل»، به تصویری ذهنی اشاره دارد که ما از کسی یا چیزی می سازیم و گمان می کنیم اگر به آن برسیم، کامل می شویم یا احساس کمبود درون مان برطرف می شود. در صورتی که این دیگری واقعی نیست، بلکه ساخته ناخودآگاه ماست و همیشه دست نیافتنی باقی می ماند. حال در این برنامه، این توهم که می توان عشق واقعی را یافت یا برنده شد، پاسخ داده می شود. انگار که می توان از طریق دیگری (پارتنر عاشقانه)، به نوعی تکامل دست پیدا کرد. همچنین بینندگان هم باهم ذات پنداری با این میل و فراقکنی خیال های عاشقانه خود به شرکت کنندگان، این نیاز ناخودآگاه را تا حدی پاسخ می دهند.

❖ توهمی خطرناک از عشق

اما این خیالات عاشقانه که با دیدن این برنامه به ذهن ما می افتند، چه پیامدهایی دارند؟ به نظر لکان، این فرایند توهمی بیش نیست و فرد را از واقعیت دور می کند. چنین فرایندی می تواند مانع از روبهرو شدن با دیگری واقعی شود، چرا که فاصله زیادی بین آشنا شدن واقعی و چیزی که در این سبک برنامه ها نشان داده می شود، وجود دارد. همچنین این نکته قابل تأمل

است که افرادی که برای پیدا کردن شریک عاطفی خود به این روش ها متوسل می شوند، به درجانی از فضای سلامت روان دور هستند.

❖ اضطراب رهاشدگی و ترس از طرد شدن

با مشاهده و رصد دقیق رفتار افراد شرکت کننده در این برنامه، می توان اضطراب رهاشدگی و ترس از طرد شدن را تا حدودی در آن ها مشاهده کرد. برای مثال، همین نکته که فرد گمان می کند با یافتن عشق خود، همه کمبودها و کاستی ها و تجربیات درناک دوران کودکی، از جمله فضاهای طرد شدن، برطرف می شود، بیانگر اضطراب اوست.

یا وقتی می بینیم افرادی هستند که در معرض حذف شدن از این برنامه قرار دارند، چون هنوز کسی را انتخاب نکرده اند، اضطراب در آن فرد تشدید می شود. در قسمتی از این برنامه می بینیم یکی از دخترها به فرد مقابل خود که او را انتخاب کرده است، می گوید: «چرا اسم من را نتونمی کنی؟» همین یعنی احساس ناامنی شدیدی وجود دارد که فرد نیاز دارد برای مطمئن شدن از دیگری، چنین درخواستی کند. یا دختر دیگری از تجربه درناک از دست دادن والدین خود می گوید و اشاره می کند که شریک عاطفی او باید تمام این نیازها را برآورده کند.

در حالی که فرد مقابل، حتی اگر در یک فرایند درست انتخاب شده باشد، در نهایت تنها شریک عاطفی است، نه پدر یا مادر. البته یک رابطه عاطفی می تواند تا درجانی ترمیم کننده باشد، اما برای ترمیم سوگ از دست دادن والدین یا هر مشکل دیگری، پناه بردن به رابطه عاطفی ممکن است کمک کننده نباشد و نیازمند دریافت کمک تخصصی است.

❖ **بازنمایی ترس ها و تعارضات**
این سبک برنامه ها در ظاهر به دنبال نمایش مسیری عاشقانه برای رسیدن به «نیمه گمشده» هستند، اما از نگاه روان تحلیلی، در واقع با نمایشی مبتدل مواجه ایم شامل بازنمایی میل ها، ترس ها و تعارضات ناخودآگاه انسان. این برنامه وعده وصال با دیگری ایده آل را می دهد؛ یعنی این تصویر که اگر عشق درست را پیدا کنیم، کامل می شویم. اما همان طور که لکان می گوید، میل انسان همیشه به چیزی نشانه می رود که در نهایت دست نیافتنی است. بنابراین نه تنها واقعیت عشق را در چنین اثری نمی بینیم، بلکه برنامه، فانتزی ناتمام بودن و تعقیب بی پایان آن را باز تولید می کند. آن هم وقتی شرکت کنندگان با اضطراب طرد شدن، نیاز به تأیید و رقابت برای «انتخاب شدن» مواجه اند که همگی ریشه در ساختارهای دوران کودکی، مانند اضطراب جدایی، دارند. در واقع، در هر فصل از این سبک برنامه ها، شاهد نوعی تکرار نمادین روابط اولیه با والدین و رقابت برای مورد عشق واقع شدن هستیم. به همین دلیل، می توان گفت چنین برنامه ای با ترکیبی از فانتزی، هیجان و دردهای سرکوب شده، ما را به تماشای میل خودمان دعوت می کند. میل به کامل شدن، عشق بی نقص و پذیرفته شدن؛ اما در دل ساختاری که دقیقاً همین میل ها را دست نیافتنی نگه می دارد. به همین دلیل می توان گفت که رئالیتی شوهای عاشقانه، بیش از آن که حقیقت عشق را بازگو کنند، آینه ای از روان ناآگاه انسان مدرن هستند.

